

# جعبه‌ی بابا

بابا یک جعبه دارد. هر وقت حقوقش را می‌گیرد، کمی از آن را توی این جعبه می‌گذارد. یک روز از مادرم پرسیدم: «مامان، چرا بابا توی آن جعبه، پول می‌گذارد؟»  
مادر گفت: «برای این که به آدم‌های فقیر کمک کند. اسم این کار، صدقه دادن است. هر کس که پولش را صدقه بدهد، آن را به خدا قرض داده است.»  
پرسیدم: «مامان، خدا قرضش را پس می‌دهد؟»  
مادرم خندید و گفت: «آره دخترم، پس می‌دهد! خدا در قرآن گفته است: هر کس به من قرض بدهد، من چند برابر به او برمی‌گردانم.»  
فکری کردم و گفتم: «مامان، اصلاً چرا خدا از ما قرض می‌گیرد؟ مگر خودش نمی‌تواند به فقیرها کمک کند؟»  
مادرم گفت: «معلوم است که می‌تواند! اما خدا می‌خواهد بداند ما چه قدر دوستش داریم.»  
فهمیدم که بابا، خدا را خیلی دوست دارد.

